



هیأت داور؛ مرجع حل و فصل عادلانه اختلاف در بازار سرمایه

حسین فهیمی^۱

که چارچوب قانون بازار اوراق بهادار ج.ا.ا فراهم کرده است بستری را به وجود آورده که هر روز به فعالان بازار اوراق بهادار افزوده و کالاهای جدید در بورس کالای ایران پذیرفته می‌شود. نهادهای مالی جدیدی که قانون از آنها نام برده است به تدریج شکل می‌گیرند و سرمایه‌گذاران ایرانی نگاه ویژه‌ای به بازار سرمایه ایران دارند.

شکی نیست که گسترش بازار به شرحی که گفته شد ملازمه تفکیک‌ناپذیری دارد با سازوکار حل و فصل عادلانه اختلافاتی که ممکن است به صورت گریزناپذیری از فعالیت در این بازار

بازار سرمایه ایران رشد و تعالی خود را شروع کرده است و به سوی جایگاه شایسته آن در اقتصاد کشور پیش می‌رود. افزایش حجم بازار، تنوع صنایع و فزونی شرکت‌های بورسی و صعود ارزش واگذاری‌های شرکت‌های دولتی از یک طرف و آغاز به کار نهادهای مالی جدیدی همچون صندوق‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های تأمین سرمایه و راه‌اندازی معاملات ابزارهای مالی جدید همچون قراردادهای آتی از طرف دیگر در کنار ظرفیت‌های قانونی جدیدی

۱- نایب رئیس و معاون حقوقی سازمان بورس و اوراق بهادار

ناپذیر رسیدگی عادلانه در بازار سرمایه می‌باشند.

لذا از ابتدای شکل‌گیری بورس ایران مکانیزمی از طریق چهارچوب "داوری الزامی" طراحی شده است که شباهت زیادی با مراجع قضایی دارد و در ترکیب آن علاوه بر مقام قضائی، افراد متخصص مالی و اقتصادی و آشنا با مسائل بازار نیز پیش‌بینی شده است تا فارغ از تشریفات زائد دادرسی عمومی در محاکم، صرفاً به اختلافات بازار سرمایه در سریع‌ترین زمان ممکن رسیدگی کنند.

از سال ۱۳۸۴ و با تصویب قانون بازار اوراق

بهادار جمهوری اسلامی ایران، قانونگذارها فرض عرفی بازار سرمایه را مبنی بر اینکه فعالان حرفه‌ای همواره براساس حسن نیت با یکدیگر مراد و معامله می‌کنند به رسمیت شناخته و چنین تلقی کرده است که اختلافات پیش‌آمده بین فعالان بدون سوء نیت و بدون طراحی قبلی و به صورت غیر ارادی به وجود آمده‌اند و اگر مذاکرات سازمان یافته‌ای بین آنها صورت گیرد دعاوی آنها همواره با تفاهم و سازش خاتمه می‌یابد. این فرض قانونی مندرج در ماده ۳۶ قانون مذکور با واقعیت‌های پس از تصویب قانون هم تطبیق پیدا کرد و بیشتر موارد اختلافی از طریق راهکار «سازش» با میانجیگری

شخص بی‌طرف (سازمان بورس و اوراق بهادار یا کانون مربوطه) به صلح و سازش منتهی شد و تنها مواردی که طرفین اختلاف به دلیل پیچیدگی‌های دعاوی یا ویژگی‌های طرفین اختلاف از رسیدن به تفاهم عاجز ماندند، به هیأت داوران ارجاع شد و هیأت داوران هم با اتکاء به آمار پرونده‌های مختومه خود در طول سه سال بعد از تصویب قانون یاد شده که سالانه متوسط به ۱۲ فقره پرونده بالغ می‌شود نشان داد که کارایی لازم را جهت ارائه اطمینان کافی به بازار سرمایه کشور دارد و می‌تواند رسیدگی عادلانه به پرونده‌ها را همراه با دقت، تخصص و سرعت تضمین نماید.

اما در افق تحولات آتی بازار و چشم‌انداز رشد و توسعه آن در سالهای بعد به ویژه در طول برنامه پنجم توسعه اقتضا دارد تا نواقص هیأت داوران به ویژه در خصوص امکان تشکیل "شعب متعدد" و امکان اجرای رأی داوران از طریق "دوایر اجرای احکام دادگاهها" رفع شود.

ناشی شود. از یک سو توسعه و گسترش بازار همواره به صورت طبیعی بروز اختلافات جدید، متنوع و پیچیده را به دنبال دارد و از دیگر سو ورود سرمایه‌گذار به حوزه فعالیت معین، با ارزیابی اولیه از این مسئله صورت می‌گیرد که آیا نظام دادرسی مطمئن و عادلانه‌ای برای موارد اختلافی وجود دارد یا نه؟ به عبارت دیگر وجود دادرسی عادلانه به عنوان رکن مهم امنیت اقتصادی در بازار سرمایه تا چه حد تأمین شده است؟

علاوه بر این انتظار طبیعی مبنی بر ضرورت وجود مکانیزم رسیدگی عادلانه به اختلافات، بازار سرمایه ویژگی‌های مهم دیگری نیز دارد. علی‌الاصول غالب فعالان بازار سرمایه اشخاص حرفه‌ای هستند. به افراد غیرحرفه‌ای هم توصیه می‌شود تا از طریق اشخاص حرفه‌ای (سرمایه‌گذاری غیرمستقیم) وارد فعالیت در این بازار بشوند. روابط معاملاتی بین این فعالان نیز پیچیدگی‌هایی دارد به نحوی که افراد دارای تخصص بالا و با صلاحیت‌های علمی، فنی و تجربی بیشتر، به مراتب شانس بیشتری برای موفقیت در این بازار دارند. لذا رقابتی هم برای کسب مهارت‌ها و تخصص‌های بالاتر وجود دارد. مرجع رسیدگی باید بر فراز این

مهارت‌ها و تخصص‌ها قرار گرفته و مواردی را که فعالان حرفه‌ای را دچار سردرگمی و در نهایت اختلاف کرده است حل و فصل نماید. همچنین طرف‌های اختلاف کسانی هستند که ممکن است روزانه چندین معامله اعم از خرید و فروش انجام دهند و منابع مالی را که در اختیار دارند باید به نحوی مدیریت کنند که بیشترین بازدهی را در فرآیند رقابت در بازار به دست آورند.

بنابراین راه‌کارهای حل و فصل اختلافات که در مراجع دادگستری عمومی وجود دارد و برای احراز و اجرای عدالت باید ماه‌ها و شاید سال‌ها وقت صرف نماید، در بازار سرمایه اثر نامطلوب دارد و چه بسا طولانی شدن روند دادرسی برای رسیدن به هدف عادلانه بودن محاکمات نتیجه معکوس در پی داشته و به راحتی نتوان احقاق حق خواهان بعد از گذشت زمان طولانی را با معیارهای عدالت تطبیق داد. از این رو دو عامل "رسیدگی تخصصی" و "رسیدگی سریع" به پرونده‌های اختلافی بازار سرمایه از ویژگی‌های تفکیک

از یک سو توسعه و گسترش بازار همواره به صورت طبیعی بروز اختلافات جدید، متنوع و پیچیده را به دنبال دارد و از دیگر سو ورود سرمایه‌گذار به حوزه فعالیت معین، با ارزیابی اولیه از این مسئله صورت می‌گیرد که آیا نظام دادرسی مطمئن و عادلانه‌ای برای موارد اختلافی وجود دارد یا نه؟